



دانشگاه شاهرود

دانشکده هنر

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نقاشی

**عنوان پایان نامه:**

مقایسه ساختار طراحی در آثار رضا عباسی و سلطان محمد

**استاد راهنما:**

مرتضی اسدی

**عنوان پروژه عملی:**

انسان در فضای شهری

**استاد مشاور:**

خشایار قاضی زاده

**نام دانشجو:**

سید حسین موسوی اعظم

خرداد ۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره: تاریخ:	اظهارنامه دانشجو	
<p>اینجانب سید حسین موسوی اعظم دانشجوی کارشناسی/ کارشناسی ارشد/ دکترا (PH.D) دانشکده هنر دانشگاه شاهد، گواهی می نمایم که پایان نامه تدوین شده حاضر با عنوان : <b>مقایسه ساختار طراحی در آثار رضا عباسی و سلطان محمد</b></p> <p>با راهنمایی استادان محترم سرکار خانم/ جناب آقای <b>مرتضی اسدی</b> توسط شخص اینجانب انجام و صحت و اصالت مطالب تدوین شده در آن، مورد تایید است همچنین اعلام می دارم در صورت بهره گیری از منابع مختلف شامل گزارش های تحقیقاتی، کتاب، مقالات تخصصی و غیره به منبع مورد استفاده به طور دقیق ارجاع داده شده است. به علاوه گواهی می دهم، مطالب مندرج در پایان نامه حاضر تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب و یا سایر افراد در هیچ کجا ارایه نشده و در تدوین متن پایان نامه حاضر، چارچوب(فرمت) مصوب تدوین گزارش های پژوهشی تحصیلات تکمیلی دانشگاه شاهد به طور کامل رعایت شده است. همچنین کلیه حقوق ناشی از گزارش پایان نامه حاضر را به دانشگاه شاهد واگذار می نمایم.</p> <p>نام و نام خانوادگی دانشجو:(دست نویس) امضای دانشجو: تاریخ:</p>		

- تذکرات:** - کلیه اطلاعاتی که در جاهای خالی تایپ می شود باید سیاه تر از متن باشد. (بولد شود).  
- در صورتیکه استاد راهنمای رساله های دکترا دو نفر باشند ذکر اسامی هر دو استاد الزامی است.  
- بدون ذکر تاریخ اعتبار ندارد.



دانشگاه شاهرود

دانشکده هنر

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نقاشی

**عنوان پایان نامه:**

مقایسه ساختار طراحی در آثار رضا عباسی و سلطان محمد

**استاد راهنما:**

مرتضی اسدی

**عنوان پروژه عملی:**

انسان در فضای شهری

**استاد مشاور:**

خشایار قاضی زاده

**نام دانشجو:**

سید حسین موسوی اعظم

خرداد ۹۱



دانشکده هنر دانشگاه شاهد

چکیده پایان نامه

عنوان پایان نامه: مقایسه ساختار طراحی در آثار رضا عباسی و سلطان محمد

استاد راهنما: جناب آقای مرتضی اسدی

استاد مشاور: جناب آقای خشایار قاضی زاده

نام دانشجو: سید حسین موسوی اعظم

شماره دانشجویی: ۸۸۷۴۹۵۰۰۳

رشته: نقاشی

#### چکیده:

نگارگران ایرانی با توجه به نوع نقاشی و عملی که انجام می دادند ترکیب بندی اثر خویش را انتخاب می نمودند. سلطان محمد و رضا عباسی دو نقاش معتبر زمانه خویش با استفاده از تمامی ظرفیت های خویش آثار خود را می آفریدند. سلطان محمد با واداری از سنتهای پیش از خود نگاره ایی با ترکیب بندی و رنگ های دقیق آفریده است. در دیگر سوی رضا عباسی با توجه به شرایط زمان خویش رنگ را در کارهایش به کمترین حد ممکن رسانده و کمک گرفتن از خطوط سیاه آثارش آفریده است .

سلطان محمد نگارگری است که با توجه به خط و رنگ در ساختار، ترکیب بندی و انسجام نگاره اش، و وفاداری به متنی که نگاره اش را از برای آن پدید آورده است آثارش را می آفرید و رضا عباسی نگارگری که با توجه به شرایط حاکم بر زمانه اش، نگارگری را که عمل هنری برای مصور سازی کتب بود به هنری برای آراستن خانه ها تبدیل نمود و در ضمن این کار به جهت سهولت در انجام کار از رنگ به صورت حداقلی استفاده می نمود.

#### سوال های اصلی تحقیق :

- ۱- آیا وجه تشابهی در ساختار طراحی رضا عباسی و سلطان محمد وجود دارد؟
  - ۲- مهم ترین وجه تفاوت در ساختار طراحی آثار رضا عباسی و سلطان محمد چیست؟
- روش انجام تحقیق و روش گردآوری اطلاعات و ابزار آن: روش انجام تحقیق بر مبنای ماهیت توصیفی، تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای می باشد.
- کلمات کلیدی: -رنگ-نگاره-نگارگری- طراحی-ترکیب بندی

نظر استاد راهنما: برای چاپ در نشریات مربوط به دانشگاه مناسب است.

امضاء:

تاریخ:

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	ح
مقدمه	۲
کلیات تحقیق	۶
فصل اول: حکومت صفوی	۱۵
فصل دوم: مکاتب دوره صفوی ریشه های ایجاد آنها	۲۵
ترکمنان	۲۶
مکتب اصفهان	۲۷
فصل سوم: زندگی هنرمندان و آثار آنان	۳۲
سلطان محمد	۳۲
رضا عباسی	۳۵
کتب و آثار دوره صفوی	۳۸
خمسه تهماسبی	۳۸
دیوان حافظ سام میرزا (کارتیه)	۴۰
مثنوی جمال و جلال آصفی	۴۱
شاهنامه ناتمام	۴۱
دیوان امیر علیشیر نوایی	۴۲
نگاره های تک برگگی	۴۲
شاهنامه شاه تهماسب	۴۲

۴۶.....	<b>فصل چهارم : ساختار طرحی</b>
۴۸.....	تعریف حوزه های طراحی.....
۵۶.....	ترکیب بندی نگارگری .....
۶۲.....	<b>فصل پنجم : بررسی نگاره ها</b>
۶۲.....	خلاصه ای از داستان خسرو و شیرین .....
۶۶.....	نگاره نگرستین خسرو آب تنی شیرین را اثر سلطان محمد.....
۶۹.....	نگاره نگرستین خسرو آب تنی شیرین را اثر رضا عباسی.....
۷۰.....	ساختار رنگی نگاره ها.....
۷۳.....	ساختار طراحی نگاره ها.....
۷۷.....	بارگاه کیومرث.....
۷۹.....	ساختار طراحی نگاره.....
۸۲.....	دریغ کردن ضحاک در کوه دماوند.....
۸۶.....	ساختار طراحی نگاره .....
۸۷.....	جشن عید فطر.....
۹۱.....	ساختار طراحی نگاره.....
۹۳.....	داستان پیرزن با سلطان سنجر.....
۹۵.....	ساختار طراحی نگاره.....
۹۷.....	فریدون پیشاپیش سپاهیانش به گذار رودخانه می زند.....
۹۹.....	ساختار طراحی نگاره .....
۱۰۳.....	گذشتن فریدون از آب دریا.....
۱۰۳.....	ساختار طراحی نگاره.....

۱۰۸.....	رستم در خواب.....
۱۰۸.....	ساختار طراحی و رنگ نگاره.....
۱۱۱.....	کشتن ضحاک پر مایه را.....
۱۱۳.....	ساختار طراحی نگاره.....
۱۱۷.....	مستی لاهوتی و مستی ناسوتی.....
۱۲۰.....	ساختار رنگی نگاره.....
۱۲۰.....	ساختار طراحی نگاره.....
۱۲۴.....	معراج پیامبر .....
۱۲۷.....	ساختار طراحی نگاره .....
۱۳۱.....	درعهد پادشاه خطا پوش جرم پوش.....
۱۳۲.....	ساختار طراحی نگاره.....
۱۳۵.....	جدال سعدی با مرد مدعی.....
۱۳۶.....	ساختار طراحی نگاره.....
۱۳۹.....	طرد فریدون سفیران سلم وتور را.....
۱۴۲.....	نبرد طهمورث با دیوان.....
۱۴۷.....	ساختار طراحی نگاره.....
۱۴۹.....	عشاق در صحرا.....
۱۵۰.....	ساختار طراحی نگاره.....
۱۵۲.....	کشتن رستم پیل سپید را.....
۱۵۶.....	گلگشت با اشراف زاده.....
۱۵۷.....	ساختار طراحی نگاره.....

۱۶۳.....	فصل ششم: نتیجه گیری
۱۶۵.....	مقایسه طراحی و ترکیب بندی نگاره های سلطان محمد و رضا عباسی
۱۶۶.....	مقایسه رنگ نگاره های سلطان محمد و رضا عباسی
۱۶۹.....	فهرست ها
۱۷۰.....	نمایه
۱۷۴.....	فهرست تصاویر
۱۷۸.....	منابع و مآخذ
۱۸۲.....	پروژه عملی
۱۸۹.....	چکیده انگلیسی

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

به یاد دارم در شهر کوچک و بدون امکانات ما هیچ کلاسی برای آموزش هنر وجود نداشت. بعدها به همت چند تن از دوستان کلاس نگارگری به راه افتاد که به هنر آموزانش کپی از روی آثار نگارگران ایرانی به ویژه نگارگران مکتب اصفهان را آموزش می داد. من چند جلسه ای که در که در این کلاسها شرکت کردم به کپی کردن از روی نگاره های رضا عباسی پرداختم. خیلی زود بدون اینکه هیچ شناختی از شخص رضا عباسی داشته باشم مجذوب شیرینی آثارش شدم.

برای من همواره شیوه ی طراحی ها و نوع خطوطی که در آثارش به کار می برد جذاب بود. در این آثار نوعی بازی و تعامل میان خطوط پیکرهها و فضای خالی اطراف وجود داشت که باعث می شد من بیش از پیش به یاد گیری آثارش دل بیندم. با شروع درس خواندن برای کنکور مدتی از این دلبستگی بدور ماندم. بعد از قبولی در دانشگاه و گذراندن درس تاریخ نقاشی ایران تازه رضا عباسی را شناختم و مصمم شدم تا در رساله خویش در مورد شخصیت وی و کارهایش تحقیق کنم.

بعدها با برپایی نمایشگاه شاهکارهای نگارگری ایرانی و در پی آن همایش بزرگداشت سلطان محمد نگارگر و شناخت آثارش، دری تازه برای من گشوده شد و میلی تازه برای شناخت آثار وی در من به وجود آمد. که به دلیل مشغله ی زیاد تنها به صورت جرقه ای کوچک در ذهنم باقی ماند. با ورود به دانشگاه شاهد در دوران کارشناسی ارشد و گذراندن درس تجزیه و تحلیل نقاشی ایرانی با جناب آقای رجبی فرصتی پیش آمد که من بار دیگر به هنرمندان محبوبم بیانديشم و علايق شخصي خود را در رساله ی پایانی ام بروز دهم. پس تصمیم گرفتم که این بار این دو هنرمند بزرگ را که هر کدام در زمان و مکتب خویش سر آمد بوده اند را در مقابل یکدیگر قرار داده تا با ترازوی قیاس ارزش آثار هر یک بیشتر برای من روشن گردد.

در نهایت با راهنمایهای خوب استاد راهنمایم جناب آقای اسدی و استاد مشاورم جناب آقای قاضی زاده و همچنین کمکها و صبوری های بی دریغ خانواده ام توانستم این راه را طی کنم و تحقیق قابل قبولی در رابطه با این موضوع ارائه دهم .

در اینجا جای دارد که از یکایک عزیزانی که فرصت پرداختن به این کار را برایم فراهم نمودند به خصوص خانوادهٔ مهربان و دلسوزم تقدیر و سپاسگزاری کنم . باشد که این تحقیق پیش زمینه و راهگشایی باشد برای کسانی که به این موضوع و ساختار نگارگری اصیل ایرانی علاقه دارند و مایلند که این راه را دنبال کنند.

سید حسین موسوی اعظم- یاسوج

اردیبهشت ۹۱

**مقدمه**

## مقدمه

با تغییر دوره ها و حکومت ها تغییراتی هم در شیوه طراحی هنرمندان بوجود می آمد که در زمان خود بیان کننده مفهومی جدید بود. طراحی و نقاشی از زمان های قدیم در ایران زمین در هم آمیخته بوده و یک هنر به حساب می آمدند و هنری بوده است در کنار ادبیات و مصور سازی و کتب. هنرمندان هر دوره با توجه به سفارش های دریافتی خویش دست به خلق نگاره هایی برای کتب می زدند و کمتر مجال این را پیدا می کردند که نگاره ای را برای خویش خلق نمایند. عده قلیلی از هنرمندان سعی در خلق تک نگاره هایی بر اساس سلايق خویش داشته اند که تعداد این آثار خیلی کم بوده است. هنرمندان شاخص هر دوره با توجه به محبوبیتی که در دربار داشته اند این فرصت را غنیمت شمرده و به علايق هنری خویش در کنار سفارش هایی که به آنها می شد می پرداختند.

نقاشی ایرانی هنری بوده است که در خدمت ادبیات بوده است. هنرمند نگارگر با توجه به متن ادبی که بر روی آن کار می کرده است نگاره اش را می آفرید. نگارگر ایرانی اصولاً بر اساس ساختار های نگارگری که از زمان های گذشته وجود داشته است کتاب ها و آثار خویش را می آفریده است. با تغییر حکومت ها و جابه جا شدن هنرمندان و جمع شدن گروهی جدید از هنرمندان جمع سلايق این گروه جدید و دیدگاه هر کدام موجب تاثیر بر یکدیگر شده و زمینه ایجاد تغییراتی در نگارگری و هنر آنان را فراهم آورده است که این تغییرات در نگاره هایشان هویدا است. اما این تغییرات در حدی نبوده است که به روح اصلی نگارگری آسیب وارد نماید، بلکه در حدی بوده است که هنر نگارگری را به سمت کمال خویش رهنمون نماید.

هنرمند با توجه به ساختار طراحی نگاره از جمله خط، رنگ و بافت و... و متنی که در اختیار داشت نگاره اش را به وجود می آورد. ساختار نگارگری ایرانی چون بر اساس واقعیت عینی نیست و نوعی نقاشی تجریدی است با نقاشی که بر اساس ساختار عینی بنا شده است تفاوت های اشکاری دارد.

یکی از دوره های هنری نگارگری ایران به نام مکتب تبریز ۲ یا مکتب تبریز صفوی است که این دوره با روی کار آمدن حکومت صفوی بوجود آمد. این دوره وام دار حکومت های پیش از خود است . تا سال ۹۲۸ه-ق در کتابخانه شاه اسماعیل، سنت بومی تبریز بر نقاشیها حاکم بود . سپردن سرپرستی کتابخانه دربار در این سال به بهزاد ، پیشرو و رهبر سبک هرات موجب تاثیر گذاری این سبک بر سنت نقاشی تبریز شد و مسیری به سوی تکامل درخشان نگارگری تبریز آغاز شد. طی سال های ۹۳۰ تا ۹۴۰ ه-ق مکتب هرات وارد سنت تبریز شد ؛ ابتدا اجزای مستقل مناظر، ساختمانها و اسلوب پیکره نگاری طبق نگاره های بهزاد رواج یافت و سپس اصول کلی ساختار و ترکیب بندی عناصر به شیوه نگارگری هراتی متداول شد. تناسب اندام پیکره ها طبیعی تر گردید و همچنین اندازه آنها متناسب با فضا شد و خصوصیات کتابت نیز تغییر کرد. نقاشی این دوره نماینگر سهولت و آزادی نقش هاست و ارتقای مهارت نقاشان را به خوبی نشان می دهد. در این سالها از ترکیب بندی قدیم تبریز و دستاوردهای مکتب بهزاد ، مکتب جدید نگارگری تبریز دوره صفویه « تبریز ۲ » بوجود آمد.

سلطان محمد عراقی از برجسته ترین استادان نگارگری ایرانی و می توان وی را یکی از بنیانگذاران مکتب تبریز ۲ دانست. وی با بهره گیری از دستاوردهای کارگاه های درباری ترکمنان و تیموریان به سبک شخصی خود دست یافت. او از لحاظ قدرت تخیل و مهارت در ترکیب بندیهای بغرنج تا تجسم حالت های متنوع ، هماهنگی جسورانه رنگها و ریزه کاریهای سنجیده در میان استادان تبریز یگانه بود.

رضا عباسی بزرگ ترین نقاش مکتب اصفهان در عهد صفویه است که بدون اغراق می توان گفت مبتکر ترین و خلاق ترین هنرمند این دوران نیز هست . او با رها کردن سنت های تیموری مکتب های هرات ، بخارا و مشهد ، از زیبایی شناسی های متنوع ایرانی رایج در دوران تیموریان یعنی مکتب هرات و مکتب های تبریز اول و دوم که همه میراث خواران مکتب شیراز هستند نیز به تدریج کناره می گیرد . او شاید در نقاشیهای صحنه پردازی و روایی دوران جوانی اش (آغاز مکتب اصفهان) بیشتر پیرو مکتب تبریز دوم بوده است ، لیکن به زودی در می یابد که نقاشی

تنها تصویرگری کتاب یا صحنه آرایبی روایتها و داستانهای کهن یا تزیین دیوار کاخها و خانه های اشرافی نیست ، بلکه می تواند تصویرگر مردم عادی ، پیشه ها ، حرفه ها و حالت های درون گرای زندگی روزمره نیز باشد ، بنابراین با گستاخی و جرات تمام در عین حفظ شیوه های طراحی ایرانی که بر اصالت خط و حرکت در سوهای مختلف فضای اثر ، رنگ یکدست و ناب ، تثبیت اندیشه و غیره استوار بود ، به تک چهره سازی و تک شخصیت پردازی می آغازد . او در آغاز ، همانند اسلاف خود از خطوط نرم ، سیال ، خمیده و منحنی هایی که در سوهای مختلف فضای ذهن حرکت می کنند ، استفاده می نماید ، ولی به تدریج به نشان دادن حالت های توجیهی و درون گرا در تک چهره هایش علاقه مند می شود که در مسیر این تحول هنری و به ویژه برای تشدید حالات چهره ها ، از خطوط خشن و راست نیز کمک می گیرد . در نتیجه چنین تحولی است که با جرات می توان از زیبایی شناسی رضا عباسی به مثابه یک شیوه تازه ترکیب بندی و اجرا در هنر ایرانی نام برد . رضا عباسی هنرمندی است که در عین حفظ سنت های تصویری گذشته ، سنت شکنی گستاخ و نیرومند است ؛ او با احترام و تایید سنت های تصویری مکتب های شیراز ، هرات و تبریز ، که مشهورترین و پربرترین مکاتب هنری سده های هشتم تا یازدهم هجری بودند ، خود نیز نوآوری های تازه ای در قلمرو طراحی و نگارگری و حتی در رنگ آمیزی وارد هنر ایران می کند که تا آن زمان یا سابقه نداشته یا هنرمندان پیش از او جرات ابراز آن را نداشتند .

## کلیات تحقیق

تعریف مساله و بیان سوالهای اصلی تحقیق:

رضا عباسی و سلطان محمد هر کدام به عنوان نماینده و رهبر شیوه ای خاص در نقاشی ایرانی مطرح هستند که خود به نوعی زمینه ساز سبکی جدید و نو در نقاشی ایرانی می باشند و یا پرچمدار سبکی مشخص هستند. این دو هنرمند در آثار خود به اصولی خاص دست یافته بودند. مساله تحقیق حاضر پرداختن به ویژگی های خاص طراحی در آثار هر یک از این دو هنرمند است. :

- ۱- آیا می توان تشابهی در ساختار طراحی آثار رضا عباسی و سلطان محمد یافت؟
  - ۲- مهم ترین وجوه تفاوت در ساختار طراحی آثار رضا عباسی و سلطان محمد چیست؟
- پیشینه و ضرورت انجام تحقیق:

شناسایی بهتر عنصر خط در نگارگری ایران و معرفی یژگی های خط در آثار رضا عباسی و سلطان محمد که دارای ارزشها زیبایی های بصری خاص می باشد که می تواند زمینه ی مناسبی برای تحقیق و خلق آثار هنری باشد.

۱-خانم افسانه نیک رشیدی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به نام " بررسی و تحلیل فرم و رنگ در نگاره گره های سلطان محمد نقاش" ( با راهنمایی استاد: حبیب ایت اللهی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵) گفت :

این پایان نامه به معرفی آثاری از سلطان محمد یکی از برجسته ترین نقاشان عهد صفوی می پردازد. هنرمند متواضع و گرانمایه ای که با آثار بدیع و زیبایش مایه فخر و مباهات هنر ایران و ایرانیان بوده و می باشد. در این نوشته کوشش شده تا ابتدا مکاتب هنری ایران بعد از ظهور اسلام خصوصا مکتب صفوی بعنوان مکتبی که در آن هنر ایرانی به اوج و شکوفائی رسیده به

طور اجمالی معرفی شود و در نهایت با بررسی رنگ و خط و فضا در نگارگری ایران به معرفی موضوع تصاویر و تحلیل و بررسی فرم و رنگ در بیش از بیست اثر از آثار سلطان محمد به عنوان وارث هنری کمال‌الدین بهزاد و سرآمد هنرمندان عهد صفوی و ایرانی پرداخته شود. آثار تصویری وی را پاره‌ای از تصاویر دیوان امیرعلیشیرنوائی، دیوان حافظ، خمسه نظامی و شاهنامه فردوسی معروف به شاهنامه شاه تهماسب تشکیل می‌دهند. قسمت عمده آثار جمع‌آوری شده در این نوشته تصاویری از شاهنامه شاه تهماسب می‌باشد. تحلیل آثار نشان می‌دهد که کادر اصلی تصاویر وی معمولاً بر اساس مستطیل می‌باشد و غالباً ماجرا در داخل مربع شاخص و گاه بر روی مارپیچ هندسی اتفاق افتاده است. انسان شخصیت اصلی تصاویر وی است که از جهت طراحی و آناتومی و فرم از صلابت ویژه‌ای برخوردار است و رنگ در آثار وی زبان خاصی دارد، در واقع او در هیچیک از نقاشی‌هایش سعی نکرده زیاد به منطق جایگزینی رنگها در طبیعت نزدیک شود. در عوض از رنگهای مکمل استفاده مطلوبی بعمل آورده است و ترکیب رنگ مناسب در رنگ‌آمیزی به اشیاء و اجسام و اشخاص خاصه اشخاص نشسته یا ایستاده همراه با لباسهای رنگارنگ کاری بس مشکل بوده که وی به نحو شایسته‌ای از عهده آن برآمده است. در نهایت فرمهای منحنی مسلط بر کار با رنگهای زیبا و دلنشین و کادر مناسب در کنار یکدیگر قرار گرفته و تصویری فریبنده را به بیننده می‌نماید و این چیزی نیست جز توانائی دست و قلم این هنرمند. در خاتمه می‌توان اظهار داشت که این هنرمند توانا با بصیرت کامل و با تسلط کافی بر اصول هندسی فرمهای منحنی و همچنین آگاهی کافی از تاثیر و تاثر رنگها به خلق پاره‌ای از بهترین شاهکارهای نگارگری ایران دست زده است .

۲- آقای حسین ابراهیمی ناغانی؛ در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به عنوان "بررسی شکل انسان در آثار نگارگری کمال الدین بهزاد" ( به راهنمایی: مرتضی حیدری؛ استاد مشاور: محمد خزائی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر، ۱۳۷۹) گفته :

در این پایان نامه ، نخست برای مهیا سازی بستر حضور بیننده در فضای نگارگری و موضوع متن به اطلاعاتی مختصر در مورد خاستگاه ، هویت و سرچشمه نوری که این هنر اصیل از آن کسب روشنایی کرده ، اشاره ای خواهم شده است ، سپس فصلی را با تاکید بر شرح زندگانی کمال الدین بهزاد و شاخصه های آثار او گشاده تا فتح بابی باشد بر فصول پی آمد آن . پس از آن با توجه به ارائه تعریفی جامع از انسان و اشکال آن در نقاشی ، شکل انسان در نگارگری ایرانی - اسلامی پیش از بهزاد و پس از وی مورد مذاقه قرار گرفته و با نگاهی گذرا منشا حضور انسان را که با نگاه به ادبیات هویت می یابد در ذیل دو بخش انسان حماسی و انسان عرفانی تفکیک کرده و چگونگی مصداق پیدا کردن آن در نگارگری ایرانی با ذکر موارد تبیین می گردد. در ادامه ، بحث تجسمی این شکل با تاکید بر تجزیه و تحلیل برخی آثار استاد مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد تا در ضمن تطبیق موارد مذکور با نمونه های آثار ، مراتب و موضوع تحقیق نیز در معرض سنجش و داوری قرار گیرد. در فصل آخر این پایان نامه با تذکر این رخداد که در هنر بهزاد انسان نقش اصلی را در جهت بیان اندیشه ایفا می کند ، جمع بندی و شناخت پیشنهاد نهائی هموار و میسور می گردد.

۳- عباس فتوحی بافقی؛ در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به عنوان " تجزیه و تحلیل آثار نگارگری شاهنامه بایسنغری" ( به راهنمایی: استاد حبیب الله آیت اللهی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر، ۱۳۷۵) گفته است: